

اثر بخشی قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان دختر پیش‌دبستانی در شهر اصفهان

* مهناز علی‌اکبری¹، احمد علی پور²، مهناز درنجفی شیرازی³

1. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، 2. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، 3. کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

(تاریخ وصول: 93/03/26 - تاریخ پذیرش: 93/06/30)

**The Effect of Storytelling on Moral Intelligence Components of
Preschool Female Students in Isfahan City***Mahnaz Aliakbari¹, Ahmad Alipour², Mahnaz Dornajafi Shirazi³

1. Associate professor in Psychology, Payame Noor University, 2. Professor in Psychology, Payame Noor University, 3. M.A. in psychology, Payame Noor University

(Received: Jun. 16, 2014 - Accepted: Sep. 21, 2014)

Abstract

چکیده

Introduction: One of the most important issues in training children is developing moral intelligence and storytelling is considered as a tool for transferring moral and behavioral messages in different societies. The purpose of this study was to investigate the effect of storytelling on pre-school female students in Isfahan city. **Method:** The research method was experimental with pre-test and post-test design which was done on two groups of experiment and control groups. The statistical society of this study included all the female 4-6 years students of Isfahan kindergartens. After random selection of 30 children, they were placed into two groups of experimental and control and the 77 questions Questionnaire of Mickle Boreba was completed by their parents. **Results:** The results of analysis of covariance in $\alpha=0.50$ showed a significant difference between the two groups in variants like empathy, conscience, respect and patience. **Conclusion:** Based on the results, the use of storytelling as an indirect and educational method for children in a free and pre-determined manner and with regard to moral instructions is suggested.

Keywords: Storytelling, Moral Intelligence, Children.

مقدمه: یکی از مهم‌ترین موضوعات در تربیت کودک، پرورش هوش اخلاقی اوست و قصه‌گویی به‌عنوان ابزاری جهت انتقال پیام‌های اخلاقی و رفتاری در جوامع گوناگون محسوب می‌گردد. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قصه‌گویی بر هوش اخلاقی دختران خردسال شهر اصفهان بود. **روش:** روش پژوهش آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمامی کودکان دختر 4 تا 6 ساله مهدهای کودک شهر اصفهان بود. پس از انتخاب 30 کودک از سه مهد کودک در منطقه 3 شهر اصفهان با روش تصادفی خوشه‌ای، در 2 گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند و پرسشنامه 77 سؤالی میکله بوربا توسط والدین آن‌ها تکمیل گردید. **یافته‌ها:** نتایج آزمون تحلیل کواریانس نشان داد که بین دو گروه از لحاظ متغیرهای همدلی، وجدان، احترام و بردباری تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($p \leq 0.05$). **نتیجه‌گیری:** از این‌رو می‌توان از قصه‌گویی به‌عنوان یک روش آموزشی غیرمستقیم و متناسب با دنیای کودکی به‌صورت آزاد با روش‌های از پیش تعیین شده با توجه به آموزه خاص و هدفمند اخلاقی بهره گرفت.

واژگان کلیدی: قصه‌گویی، هوش اخلاقی، کودکان.

کودک در تصمیم‌گیری در امر درست و نادرست کمک می‌کند و باعث می‌شود او در مسیر اخلاق باقی بماند و در صورت انحراف احساس گناه بر او چیره شود)، خویش‌شننداری (به کودک در مهار کردن امیال نفسانی‌اش یاری می‌کند و نیز باعث می‌شود قبل از مبادرت به هر عملی فکر کند و در نتیجه او به گونه‌ای صحیح رفتار می‌کند)، احترام (کودک را و می‌دارد تا با دیگران به گونه‌ای رفتار کند که دوست دارد با خودش رفتار شود و به همین دلیل اساس پیشگیری از خشونت، بی‌عدالتی و نفرت را پایه گذاری می‌کند)، مهربانی (توجه کودک را به رفاه و احساسات دیگران جلب می‌کند. با تقویت این فضیلت، کودک خودخواهی کمتری خواهد داشت و بیشتر دلسوز و غمخوار می‌شود)، بردباری (یک ویژگی اخلاقی مؤثر است که دشمنی، خشونت و تعصب را کاهش می‌دهد و همزمان به گونه‌ای بر ما تأثیر می‌گذارد که با دیگران با مهربانی و احترام رفتار کنیم) و انصاف (به کودک کمک می‌کند تا ویژگی‌های مختلف دیگران را درک کند و آماده پذیرش چشم اندازها و باورهای جدید باشد و به دیگران بدون توجه به تفاوت جنسی، نژاد، ظاهر، فرهنگ، باورها، توانایی‌ها یا جهت‌گیری جنسی احترام بگذارد). این ویژگی‌های اساسی همان‌هایی هستند که شکیبایی اخلاقی را به او هدیه می‌کنند تا او در مسیر نیکی باقی بماند و به او کمک می‌کند تا بصورت اخلاقی رفتار کند (سیدی، 1389). ایجاد ظرفیت‌های هوش اخلاقی می‌تواند بر تمام جنبه‌های زندگی آن‌ها در حال حاضر و نیز کیفیت روابط، حرفه، خلاقیت، مهارت‌های فرزندپروری و شهروندی آن‌ها در آینده اثر بگذارد و حتی نقش آن‌ها را در حوزه هنر، اقتصاد، ادبیات و نیز اجتماعات محلی و جامعه بطور کلی

از جمله موارد مهم و اثرگذار در تربیت کودک، تربیت هوش اخلاقی اوست. هوش اخلاقی به معنای توانایی درک درست از نادرست است. این عبارت به معنای برخوردار بودن از عقاید اخلاقی راسخ و قوی و عمل کردن به آن‌هاست. به گونه‌ای که فرد به شیوه‌ای صحیح و محترمانه رفتار کند. اگر «هوش» را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، آنگاه «اخلاق»، ظرفیت سازمان‌دهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد؛ از این رو، «هوش اخلاقی» در کنار هوش عقلانی می‌تواند ژرفای توانمندی‌های فکری و عاطفی کودک را در ابعاد زندگی وی نمایان ساخته و نیک‌اندیشی و «نیک‌خویی» را در او پدید آورد (بوربا¹، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390). پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که به هر دلیل هوش اخلاقی کسب نکرده‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند (کیاکمال، 1390). این کودکان به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشدنیافتگی، حساسیت‌های اخلاقی و باورهای نادرست هدایت شده، تاحد زیادی به عقب‌افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیت‌های نابهنجار تبدیل می‌شوند (به نقل از کیا کمال، 1390). شاید بتوان گفت مهم‌ترین نکته در مبحث هوش اخلاقی این است که این هوش به طور کامل آموختنی و قابل یادگیری است و به هیچ وجه جنبه وراثتی ندارد و تنها از طریق تربیت به کودکان منتقل می‌شود. منش بر اساس هفت فضیلت اخلاقی تعریف می‌شود (بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390) که عبارت است از: همدلی (احساس اخلاقی بنیادینی که درک احساسات دیگران را برای فرزندان امکان‌پذیر می‌سازد)، وجدان (یک ندای درونی قوی که به

ضروری است. ادبیات کودک با عناصر گوناگون ادبی به انسجام فکری کودک، قدرت تخیل، تمرکز و داوری او کمک می‌کنند. یکی از بخش‌های مهم ادبیات کودک، قصه‌گویی است. قصه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند اثری عمیق در فکر و روحیه آنان می‌گذارد و آن‌ها را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آن‌ها را یاری می‌دهد (پلوسکی⁴، 2006؛ ترجمه رحماندوست، 1385). برخی اندیشمندان از جمله جروم برونر، لکس، تیس و جکسون قصه‌گویی را شیوه‌ای طبیعی برای ساختن جهان می‌دانند. در این دیدگاه ارائه درس‌های اخلاقی در چارچوب قصه برای سازمان دادن به یادگیری‌ها در زندگی مطرح شده است. بدین ترتیب که اگر قصه‌ها در برگزیده اعمال و پیامدهای آن باشند، موجب رشد اخلاقی می‌شوند (بتلهایم⁵، 1978؛ ترجمه بهروز کیا، 1386). از این نظر اهمیت قصه در رشد اخلاقی توسط بسیاری از صاحب‌نظران مورد بحث قرار گرفته است. قصه و قصه‌گویی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند تخیل کودک را پرورش دهد و او را با دنیای اطراف و محیط زندگی‌اش آشنا کند. در واقع قصه و داستان پلی بین کودک و جهان اطرافش است. رویدادهایی که در یک قصه اتفاق می‌افتد به گونه‌ای است که کودک با شنیدن آن قصه، مشکل خود را در می‌یابد و آن را ابراز می‌کند و امید به زندگی پیدامی‌کند. قصه درمانی یکی از فنون روان‌درمانی است که در کنار رویکردهای روان‌شناسی مانند رویکرد تحلیلی، شناختی و رفتاری، کودکان را با فقدان‌ها، هراس‌ها و اضطراب‌ها آشنا می‌سازد و به گونه‌ای غیرمستقیم و

تحت تأثیر قرار دهد (گرین¹، 1996؛ ترجمه آدینه‌پور، 1386). اخلاق، رشته‌ای است که در حد فاصل فلسفه و روان‌شناسی قرار گرفته است. فلاسفه تلاش می‌کنند تا برای اخلاقی یا غیراخلاقی دانستن بعضی رفتارها توجیحات منطقی ارائه کنند، اما روان‌شناسان در پی تبیین این مسأله هستند که چرا مردم به شیوه‌های اخلاقی یا غیراخلاقی عمل می‌کنند (بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390). رفتارگرایی، مثل اسکینر و سایر نظریه‌پردازان یادگیری، با انجام آزمایش‌هایی که برای ارزیابی رفتار اخلاقی طراحی شده بود، به مفهوم وجدان و ارزش‌ها در ادبیات فروید اعتراض کردند، زیرا آن‌ها را سازه‌هایی بسیار انتزاعی و غیرقابل بررسی می‌دانستند. از سوی دیگر، کار پیازه توسط کلبگ، در قالب زنجیره شش مرحله‌ای تحول قضاوت اخلاقی گسترش یافت (هفنر²، 2003). براساس تئوری مراحل تحول روانی‌جنسی فروید، اخلاق در پنج سالگی شکل می‌گیرد، در حالی که بر اساس تئوری ساختاری تحولی کلبگ، گرایش به اصول اخلاقی (عالی‌ترین مرحله یا مرحله 6)، تقریباً در اواخر دوره تحول ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، تئوری یادگیری، ایده مراحل را به‌طور کامل رد کرده و اخلاق پخته را بر حسب درونی‌سازی موفقیت‌آمیز هنجارها و ارزش‌های فرهنگی تعریف می‌کند. بنابراین، هر نظریه به وضوح پاسخ‌های خود را به سؤال‌های تحولی در مورد خاستگاه، فراگیری اخلاق و ماهیت تغییر، مشخص کرده است (لااد، برگس³، 1999). داستان‌ها برای رشد تفکر یا همان فلسفه ورزی کودک ابزار مناسبی هستند. امروزه استفاده از داستان و داستان خوانی به منزله ابزاری برای پیشبرد تفکر کودکان

4. Plosky
5. Bettelheim

1. Greene
2. Heffner
3. Laad and Burgess

نیاز دارد و به او قدرتی می‌دهد که بتواند با راهنمایی یا مستقلاً به طرز صحیح رفتار کند (گرین، 1996)، ایجاد و پرورش مفاهیمی همچون همدلی، بردباری، خویشتن‌داری، وجدان، عدالت، مهربانی، در کودک ضروری می‌نماید تا جایی که وی حس درونی عمیق و رشد یافته‌ای درباره درست و نادرست داشته باشد و در مقابل تأثیرات بیرونی ایستادگی کند. طبق نظر (بتلهایم، 1978) برخی از کودکان به این جهت که هرگز هوش اخلاقی را کسب نکرده‌اند، در معرض خطر جدی قرار دارند. این کودکان به دلیل دارا بودن وجدان سطحی ضعف در مهار کردن امیال - رشد نیافتگی حساسیت اخلاقی و باورهایی که به گونه‌ای نادرست هدایت شده‌اند تا حد زیادی به عقب افتادگی دچارند. از آنجا که قصه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند اثری عمیق بر فکر و روحیه آن‌ها می‌گذارد و آن‌ها را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آن‌ها را یاری می‌دهد (پلوسکی، 2006). این پژوهش درصدد است تا تأثیر استفاده از ابزار قصه‌گویی در جهت ارتقاء هوش اخلاقی را مورد سنجش و آزمایش قرار دهد.

روش

پژوهش حاضر یک طرح آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود که از دو گروه آزمودنی تشکیل شده بود. اندازه‌گیری اول با اجرای یک پیش‌آزمون بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل و اندازه‌گیری دوم پس از اعمال متغیر مستقل بر گروه آزمایش بایک پس‌آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و کنترل انجام گردید. جامعه آماری شامل تمام کودکان دختر 4 تا 6 سال مهدهای کودک شهر اصفهان بود و حجم نمونه شامل 30 کودک دختر بود

جذاب نیرو و امید می‌دهد و در افکار و احساسات آن‌ها تغییر ایجاد می‌کند (پشت‌دار، 1386). پژوهش‌هایی چند به بررسی تأثیر قصه‌گویی بر رشد مهارت‌های رفتاری، روانی و اخلاقی کودکان پرداخته‌اند از جمله کیا کمال (1390) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که قصه‌گویی به عنوان یک روش آموزشی غیرمستقیم می‌تواند بردباری کودکان را افزایش دهد. همچنین مظاهری تهرانی (1390) با بررسی نقش قصه‌گویی بر پیشرفت اخلاقی کودکان در مدارس به این نتیجه رسید هنر قصه‌گویی با بهره‌گیری از امکانات موجود با تمامی اشکال گوناگون خود، بردباری را در کودکان مصروع افزایش می‌دهد. ترابی (1389) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که قصه‌گویی بر افزایش حس عدالت در کودکان مؤثر است. پشت‌دار (1386)، سوییتسر¹ (2010)، بتلهایم (1978)، آیکین² (2007)، نیز به تأثیر قصه‌گویی بر افزایش مهارت‌های اجتماعی و ایجاد رفتارهای اخلاقی کودکان پی برده‌اند. پارکر و همکاران³ (2010)، شچمن و ناچول⁴ (1996)، (کلاین⁵، 1984؛ ترجمه جهان‌گیرزاده، 1389)، هاکسلی⁶ (2007؛ ترجمه کشاورزی، 1386) و اسمتانا⁷ (2006) تأثیر قصه‌گویی بر پرورش ابعاد گوناگون اخلاق و رفتار در کودکان را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که تأثیر قصه‌گویی بر ابعاد گوناگون رشد اخلاقی کودک و سازگاری او با محیط اطراف خویش انکارناپذیر است. از آنجا که هوش اخلاقی به مثابه عضله‌ای است که کودک برای مواجهه با فشارهای منفی به آن

1. Sweetser
2. Aikin
3. Parker and coworker
4. Schechtman and Nachshol
5. Klien
6. Haksley
7. Smetana

شد (هویدا و همایی، 1389). جهت قصه‌گویی از هفت داستان از مجموعه داستان‌های کودک و مهارت‌های زندگی استفاده گردید (مشتاق و واتقی، 1390). هفت ویژگی اخلاقی همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف بودند که به عقیده میکله بوربا سازنده هوش اخلاقی کودکان محسوب می‌شوند. جهت تأیید شدن هماهنگی این داستان‌ها با مؤلفه‌های هوش اخلاقی از یک گروه متخصص اعم از مربیان قصه‌گویی در مهدهای کودک و مربیان قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و همچنین چند نفر از اساتید روان‌شناسی رشد در کشور استفاده گردید و تصمیم بر این شد که از تصاویر این کتاب‌ها استفاده شود و موضوع مورد نظر با زبانی ساده و رسا برای کودکان بیان شود. داستان‌های انتخاب شده برای انجام این کار شامل داستان کرگدن خشمگین و موش‌های ناقلا برای آموزش همدلی، داستان جشن آتش برای آموزش خویشتنداری، داستان آتش‌سوزی در جنگل برای آموزش وجدان، داستان گرگ مغرور برای آموزش احترام، داستان جستجوی گل‌های بنفشه برای آموزش مهربانی، داستان یک روز پر ماجرا برای آموزش بردباری و داستان مهمان‌های جدید برای آموزش عدالت بود. علاوه بر این در هر جلسه مطالبی در مورد تقویت هر یک از این هفت فضیلت به والدین این کودکان داده شد تا در منزل تکالیفی را جهت تقویت بیشتر این فضائل انجام دهند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای پردازش

داده‌ها از آزمون کوواریانس چند متغیری استفاده شد. در پژوهش حاضر داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 مورد پردازش قرار گرفتند.

که از سه مهد کودک به طور تصادفی خوشه‌های انتخاب شدند. قبل از آزمایش سطح هوش اخلاقی کودکان توسط پرسشنامه هوش اخلاقی (میکله بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390) سنجیده شد. این پرسشنامه توسط والدین کودکان تکمیل گردید. زیرا کودکان مورد آزمایش هنوز آموزش خواندن و نوشتن ندیده بودند. در این آموزش، رفتارهای انجام شده در داستان با بیانی ساده و روان به منظور درک بهتر کودکان توضیح داده شد و آن رفتارها با رفتارهای کودکان در مهد مقایسه گردید.

ابزار: به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه هوش اخلاقی 77 سؤالی (میکله بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390) استفاده شده است که پس از تأیید شدن روایی محتوای آن توسط پنج تن از اساتید و متخصصان روان‌شناسی رشد در دانشگاه‌های کشور، 30 نسخه از این پرسشنامه‌ها در اختیار والدین آزمودنی‌ها قرار گرفت و پایایی آن سنجیده شد و به تأیید رسید. قابلیت اعتماد درونی آن بر اساس آلفای کرونباخ برابر با $\alpha = .95$ به دست آمد. پرسش‌های این پرسشنامه همدلی، وجدان و خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف در کودکان را می‌سنجد که هرکدام 11 گویه را در بر می‌گیرد و با 5 طیف خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم طراحی شده است.

شیوه اجرا: قبل از اجرای مداخله پرسشنامه هوش

اخلاقی 77 سؤالی (میکله بوربا، 2010) توسط والدین کودکان تکمیل گردید. سپس به افرادی که در گروه آزمایش بودند، از طریق قصه‌گویی مهارت‌های هوش اخلاقی طی 3 ماه و هفته‌ای 2 بار (24 جلسه 2 ساعته) توسط مربی (محقق) آموزش داده شد. این روش مداخله با توجه به پژوهش انجام شده با عنوان تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش عاطفی کودکان انجام

یافته ها

کجی و کشیدگی، کمترین و بیشترین نمره در جدول

1 ارائه شده اند.

داده های توصیفی همچون میانگین، انحراف استاندارد،

جدول 1. شاخص های توصیفی پیش آزمون - پس آزمون خرده مقیاس ها در دو گروه آزمایش و کنترل.

بیشترین	کمترین	کشیدگی	کجی	انحراف معیار	میانگین	آزمون	گروه	
55	25	4/28	-1/66	7/15	45/53	پیش آزمون	گروه آزمایش	همدلی
53	36	-0/76	-48/0	5/52	48/06	پس آزمون		
55	33	0/62	6/0	6/77	46/43	پیش آزمون	گروه کنترل	
51	31	-0/64	0/07	5/66	42/46	پس آزمون		
52	32	-0/45	-0/58	5/72	41/66	پیش آزمون	گروه آزمایش	خویشتن داری
51	31	-0/48	-0/21	5/53	43/66	پس آزمون		
51	32	-1/14	0/21	6/24	41/28	پیش آزمون	گروه کنترل	
49	26	0/15	-0/46	6/42	38/07	پس آزمون		
48	33	-0/69	-0/07	4/45	40/2	پیش آزمون	آزمایش	وجدان
45	33	-0/64	-0/31	3/75	43/46	پس آزمون		
44	28	-0/41	-0/32	4/36	36/66	پیش آزمون	کنترل	
42	25	-1/18	-0/15	5/46	35	پس آزمون		
54	35	-0/01	0/02	98/4	44/46	پیش آزمون	آزمایش	احترام
52	32	1/79	-1/28	5/21	46/73	پس آزمون		
51	30	-0/55	-0/16	6/17	41/46	پیش آزمون	کنترل	
48	25	-0/44	-0/3	6/71	38/66	پس آزمون		
51	36	-0/48	-0/94	4/7	45/46	پیش آزمون	آزمایش	مهربانی
87	33	9/09	2/7	12/41	46/33	پس آزمون		
52	35	-0/89	0/05	4/98	43/46	پیش آزمون	کنترل	
47	34	-0/86	-0/15	3/79	40/4	پس آزمون		
54	33	-0/29	0/07	6/33	43/6	پیش آزمون	آزمایش	بردباری
53	32	-0/05	-0/3	5/75	46/13	پس آزمون		
51	32	0/53	0/08	5/34	41/2	پیش آزمون	کنترل	
43	26	-0/49	-0/53	4/99	36/33	پس آزمون		
51	33	1/03	-0/88	4/63	44.2	پیش آزمون	آزمایش	عدالت
51	32	-0/38	-0/51	5/43	46/13	پس آزمون		
54	32	0/39	0/7	5/9	40/73	پیش آزمون	کنترل	
48	28	-1/09	-0/06	6/12	37/73	پس آزمون		

خویشتن داری و مهربانی، تفاوت میانگین ها در گروه آزمایش نیز محسوس نیست.

جهت آزمون فرضیه های اصلی این پژوهش با توجه به نوع طرح پژوهش که از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل می باشد و از آنجایی که به جای یک متغیر، چند متغیر مورد تجزیه و تحلیل قرار

همان طور که در جدول 1 نشان داده شده است، خرده مقیاس های همدلی، خویشتن داری، احترام، بردباری و عدالت در گروه آزمایش از افزایش میانگین در پس آزمون نسبت به پیش آزمون برخوردار بودند. در حالی که در گروه کنترل نه تنها افزایش میانگینی دیده نمی شود بلکه در بعضی موارد کاهش میانگین هم صورت گرفته است. اما در دو مؤلفه

فرضیه پژوهش با توجه به این روش آماری می‌پردازیم.

بنابراین جهت آزمون هدف پژوهش که عبارت از اثر قصه‌گویی بر هوش اخلاقی کودکان از روش تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شد. براساس تحلیل کوواریانس چند متغیری ($\lambda=0/953$ و $4/08$ $F=$ در سطح معنی‌داری $P=0/003$) می‌توان بیان کرد که این بررسی از لحاظ آماری در سطح $P>0/05$ معنی‌دار است.

جهت پی‌بردن به اینکه کدامیک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی اثر بخشی معنی‌دار دارند، از تحلیل کوواریانس یک‌راهه در متن MANCOVA استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جدول 2 درج شده است.

می‌گیرند، از روش آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری می‌توان استفاده کرد.

بنابراین پیش فرض‌های استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. مقادیر آماره آزمون شاپیرو و یک جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع متغیرها حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرها در گروه آزمایش و کنترل می‌باشد. همچنین وجود همگنی شیب‌های رگرسیون نیز در دو متغیر مورد تأیید قرار گرفت و مشخص شد که بین متغیرهای مورد پژوهش رابطه خطی وجود دارد. همچنین شرط همگنی ماتریس‌های واریانس کوواریانس که توسط آزمون باکس بررسی شد، رعایت شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که پیش فرض‌های اساسی تحلیل آماری کوواریانس چند متغیری رعایت شده است، لذا به تجزیه و تحلیل

جدول 2. خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس‌های یک‌راهه در متن مانکوا مربوط به اثر قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
همدلی	127/04	1	127/04	15/5	0/001	0/66	0/96
خویشتنداری	16/95	1	16/95	1/68	0/2	0/06	0/24
وجدان	89/68	1	89/68	9/78	0/04	0/25	0/81
احترام	39/59	1	39/59	3/9	0/03	0/32	0/77
مهربانی	135/46	1	135/46	1/87	0/18	0/11	0/43
بردباری	173/88	1	173/88	20/96	0/01	0/43	0/44
عدالت	40/86	1	40/86	3/96	0/04	0/4	0/99

با توجه به نتایجی که جدول 2 نشان می‌دهد، برای همدلی ($F=15/5$ و $P=0/001$)، خویشتنداری ($F=1/68$ و $P=0/2$)، وجدان ($F=9/78$) و $P=0/04$)، احترام ($F=3/9$ و $P=0/03$)، مهربانی ($F=1/87$ و $P=0/18$)، بردباری ($F=20/96$) و عدالت ($F=3/96$ و $P=0/04$) بدست آمد که می‌توان بیان کرد که متغیرهای همدلی، وجدان، احترام و بردباری از لحاظ آماری در سطح $P \leq 0/5$ معنی‌دار و متغیرهای خویشتنداری، مهربانی و عدالت از لحاظ آماری در سطح $P \leq 0/5$ معنی‌دار نیستند. این

نتایجی که جدول 2 نشان می‌دهد، برای همدلی ($F=15/5$ و $P=0/001$)، خویشتنداری ($F=1/68$ و $P=0/2$)، وجدان ($F=9/78$) و $P=0/04$)، احترام ($F=3/9$ و $P=0/03$)، مهربانی ($F=1/87$ و $P=0/18$)، بردباری ($F=20/96$) و عدالت ($F=3/96$ و $P=0/04$) بدست آمد که می‌توان بیان کرد که متغیرهای همدلی، وجدان، احترام و بردباری از لحاظ آماری در سطح $P \leq 0/5$ معنی‌دار و متغیرهای خویشتنداری، مهربانی و عدالت از لحاظ آماری در سطح $P \leq 0/5$ معنی‌دار نیستند. این

احترام و بردباری تأثیر داشته است.

در زمینه عدالت همخوانی ندارد. تصور می‌شود ناهمخوانی مهربانی می‌تواند به این خاطر باشد که میزان مهربانی از ابتدا در کودکان بالا بوده است. زی‌رادر فرهنگ ایرانی مهربانی جزء ویژگی‌های مورد پسند خانواده‌ها محسوب می‌شود و بر مهربان بودن دختران از ابتدا تأکید بیشتری می‌شود. همچنین ناهمخوانی خویش‌انداری می‌تواند به علت انتخاب نوع قصه‌های خوانده شده و احتمالاً عدم مهارت قصه‌گو در رساندن مفهوم خویش‌انداری از طریق قصه‌ها به کودکان باشد. تصور می‌شود ناهمخوانی در مؤلفه عدالت به خاطر سطح تحول اخلاقی کودک می‌باشد. از نظر کلبرگ کودکان از 4 تا 10 سال در مرحله پیش‌عرفی یعنی اجتناب از تنبیه و کسب پاداش و لذت قرار دارند. در این مرحله، کودک توجه چندانی به انگیزه عمل فرد نمی‌کند و بیشتر به پیامد آن فکر می‌کند و از نظر آنان عملی اخلاقی است که برای آنان فایده داشته باشد. علاوه بر این از نظر کلبرگ رشد اخلاقی دختران نسبت به پسران در سطح پایین‌تری قرار دارد (سیف، 1390). به همین دلیل تصور می‌شود به دلیل گروه سنی افراد نمونه (6 ساله) و به دلیل جنسیت افراد (دختر) انتظار می‌رود مفهوم عدالت را به درستی درک نکنند. اسمتانا (2006) در کتاب خود تحت عنوان "تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودک" نوشته است زندگی اخلاقی داشتن فقط مستلزم به جا آوردن نوعی از اعمال نیست، بلکه نوعی از انسان بودن را ایجاب می‌کند. قصه‌ها قوانین اخلاقی، شیوه تبعیت از احکام اخلاقی،

بدان معناست که قصه‌گویی بر افزایش هوش اخلاقی کودکان به طور کلی و بر مؤلفه‌های همدلی، وجدان،

نتیجه‌گیری و بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد روش قصه‌گویی بر افزایش مؤلفه‌های همدلی، وجدان، احترام و بردباری در کودکان مؤثر است. این یافته‌ها با پژوهش‌های پشت‌دار (1386)، سویتسر (2010) و بتلهایم (1978) در زمینه افزایش همدلی همسویی دارد. از این رو می‌توان گفت قصه‌گویی سازمان‌دار برای کودکان در افزایش همدلی آنان با دیگران مؤثر است. همچنین یافته‌های طاق‌دیس (1387) و متیو¹ (1976) نیز در زمینه وجدان با پژوهش حاضر همسویی دارند و این یافته‌ها را تأیید می‌کنند. یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های شهیم (1388) لیپمن² (2003) در زمینه‌ی احترام و همچنین یافته‌های کیا کمال (1390)، مظاهری تهرانی (1390)، شچمن (2009)، اسمتانا (2006) و ترابی (1389) در زمینه بردباری همخوانی دارد. از این رو، می‌توان گفت قصه‌گویی گروهی، چنانچه در مسیر صحیح قرار گیرد و سازمان‌دار باشد، می‌تواند بر رشد اخلاقی کودکان در جنبه‌های گوناگون تأثیرگذار باشد. اما این روش بر مؤلفه‌های مهربانی، خویش‌انداری و عدالت تأثیرگذار نبود و این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پشت‌دار (1386)، پارکر و همکاران (2010)، شچمن (1996) و لیپمن (2003) در زمینه مهربانی و با یافته‌های پژوهش‌های صفرزاده (1388)، کلاین (1984) و هاکسلی (2007) در زمینه خویش‌انداری و با یافته‌های پژوهش‌های ترابی (1389)، پارکر و همکاران (2010)، اسمتانا (2006) و لیپمن (2003)

1. Matthews
2. Lipman

دست‌یافته است (دادستان، 1389). همچنین با استناد به نظریه یادگیری اجتماعی - شناختی بندورا (1972) می‌توان نتیجه گرفت که کودکان با الگوبرداری و همانندسازی با رفتار قهرمانان قصه‌ها و قضاوت درباره رفتار خویش، خود را اصلاح نمودند. طبق این نظریه، کودکان هنگام قصه گفتن تخیل خود را با واژه‌ها و شخصیت قصه‌ها همسو و هماهنگ می‌کنند و بدین ترتیب رفتارهایی را بر می‌گزینند که احترام و تشویق اجتماعی را به دنبال دارد (همایی و همکاران، 1388).

از آنجا که این پژوهش بر روی دختران 4-6 ساله اصفهان انجام شده است، نمی‌توان نتایج آن را به گروه‌ها یا نمونه‌های دیگر با توجه به سن، جنسیت و استان تعمیم داد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در همین زمینه بر روی نمونه‌های دیگر همچون پسران، سنین و مقطع‌های دیگر، افراد با وضعیت اجتماعی - اقتصادی دیگر، شهرهای دیگر و فرهنگ‌ها و ملیت‌های دیگر نیز اقدام به پژوهش و بررسی کنند.

منابع

- اسمتانا، ج. (2006). «تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودک». غلامرضا متقی‌فر. مجله معرفت. 57 (7) 85-91.
- بتلهایم، ب. (1386). کودکان به قصه نیاز دارند. ترجمه کمال بهروز کیا. تهران: نشر افکار.
- بوربا، م. (1390). پرورش هوش اخلاقی. چاپ اول. ترجمه فیروزه کاوسی. تهران: انتشارات رشد.

شکل‌دهی فعالانه به خویش و غایات اخلاقی را در ناخودآگاه کودک می‌ریزند و جهان‌بینی ارائه می‌کنند که در آن مخاطب کودک به سمت تعالی روح حرکت می‌کند و این حرکت در گرو ارزش‌های اخلاقی است که کودک از قصه برداشت می‌کند. به عنوان مثال اگر در قصه‌ای کودک اسباب‌بازی مورد علاقه‌اش را به کودک دیگری می‌بخشد که اسباب‌بازی ندارد، دیگر نیازی به معرفی ارزش بخشیدن نیست. همچنین ارزش آزادی را وقتی کودک می‌فهمد که ببیند حیوانی در قصه اسیر شده باشد. کودک در قصه بارها و بارها شاهد همکاری و همدلی و مهربانی حیوانات بوده و این را به راحتی درک کرده است. از جمله ارزش‌های اخلاقی دیگری که کودک در میان قصه‌ها پیدا می‌کند می‌توان به مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، قانع بودن، فداکاری، امید، شجاعت، عشق به پدر، مادر و ائمه، عدالت و انصاف، روح انسان دوستی و نوع‌پروری، عزت نفس، انسانیت، حقیقت و فروتنی اشاره کرد. کودک همچنین پی به ارزش نادانی و دانایی می‌برد و یاد می‌گیرد شتابزده عمل نکند. در مجموع، قصه خود به تنهایی دارای سلامت ذوق در قرون مختلف بوده است و این سلامت ذوق، ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی پربراری داشته که به سلامت جامعه کمک بسیار مؤثری کرده است. افزون بر این، روش قصه‌گویی کار آیی خود را در ایجاد و تحول مفاهیم اخلاقی و اجتماعی کودکان در پژوهش‌های پاترسون، رید و دیشیون (1992) و نوربری و بیشاپ (2003) به اثبات رسانده است. از سوی دیگر لیپمن (1980) قصه‌گویی را به نحو مناسبی برای آموزش مفاهیم منطقی و فلسفی به کودکان به کار گرفته و در این زمینه به موفقیت‌هایی

مهناز علی‌اکبری و همکاران: اثر بخشی قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان دختر پیش‌دبستانی در شهر اصفهان

- پلوسکی، آ. (1385). قصه‌گویی در خانه و خانواده. ترجمه مصطفی رحماندوست. تهران: انتشارات مدرسه.
- پشت‌دار، ع. م. (1386). قصه‌گویی خلاق و اهداف آموزشی. تهران: انتشارات اعتماد.
- ترابی، ژ. (1389). تأثیر آموزش گروهی بر هوش اخلاقی کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد خوراسگان.
- دلاور، ع. (1380). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- دادستان، پ؛ محسن علیق، ا؛ رسول‌زاده طباطبائی، ک؛ آذربایجانی، م. و بیات، م. (1389). «قصه‌گویی و تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی و لبنانی». مجله روان‌شناسان ایرانی. شماره 24.
- رحمان‌دوست، م. (1388). قصه‌گویی: اهمیت و راه رسم آن. تهران: رشد.
- سیدی، ط. (1389). تأثیر قصه‌گویی در درمان پرخاشگری. مقاله ارائه شده در اولین همایش بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان، 154.
- سیف، س. (1390). روان‌شناسی رشد. ج. 1. تهران: انتشارات سمت.
- شهیم، س. (1388). «پرخاشگری آشکار و رابطه‌ای در کودکان دبستانی». پژوهش‌های روان‌شناختی، سال نهم، شماره 21-27-44.
- صفرزاده، ا. (1388). بررسی اثر بخش مهارت‌های اجتماعی در برقراری ارتباط اجتماعی کار آمد
- دانش‌آموزان دختر اول متوسط. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- طاق‌دیس، س. (1387). «یادداشتی درباره کودک قصه و مطالعه». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره 19.
- کلین، م. (1389). رشد اخلاقی. ج. 1. ترجمه محمد رضا جهانگیرزاده و همکاران. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگی اسلامی.
- کیا کمال، ب. (1390). «قصه و داستان در کتاب‌های درسی و کمک درسی آلمان». پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره 42.
- گرین، ا. (1386). هنر و فن قصه‌گویی. ترجمه طاهره آدینه‌پور. تهران: انتشارات ابجد.
- مظاهری تهرانی، م. (1390). تأثیر آموزش شیوه‌های رفتار گروهی بر هوش اخلاقی اجتماعی کودکان و نوجوانان مصرع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- مشتاق، م. (1389). کودک و مهارت‌های زندگی. تهران: انتشارات ابوعطا.
- هاکسلی، ر. (2007). پرورش هوش اخلاقی در کودکان. ترجمه فرناز کشاورزی.
- هویدا، ر. و همایی، ر. (1389). «تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان». دانشکده روان‌شناسی اصفهان، شماره 1
- همایی، ر؛ کجباف، م. ب؛ و سیادت، س. ع. (1388). «تأثیر قصه‌گویی بر سازگاری کودکان». مطالعات روان‌شناختی.

- Adel, G.A. (2007). "Postmodernism and Children's Literature". *The journal of the International Christian community for teacher education: A faith-based perspective. ICCT journal*.2:2.
- Bettelheim, B. (1978). *The Uses of Enchantment: The Meaning and Importance of Fairy Tales*. London: Penguin.
- Heffner, M. (2003). *Excremental support for the use of story telling to guide behavior: The effect of story telling on multiple and mixed ratio (FR)/ differential reinforcement of low rate (DRL) schedule responding Unpublished Doctoral Dissertation, West Virginia University*.
- Ladd, G., & Burgess, K. (1999). "Charting the relationship trajectories of aggressive/ non withdrawn, and aggressive/ withdrawn children during early grade school". *Child Development*, 70, 910-929.
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education* (2nd Ed.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Lipman, m. (1980), *Philosophy in the classroom Philadelphia*: Temple university press.
- Nourbury, C.F. & Bishop, D.V. (2003). "Narrative skills of children with communication impairment". *International Language communication Disorders*. 38 (3,287,313).
- Matthews, Gareth. B. (1976). *Philosophy in Children's Literature*. Cambridge, MA: Harvard university press.
- Parker, J.G. & Asher, S.R. (2010). *Friendship and friendship quality in middle childhood: Links with peer group acceptance and feelings of loneliness and social dissatisfaction*. *Developmental Psychology*, 29, 611-621.
- Patterson, G.R. & Reid, J.B. & Dishion, T.J. (1992). *A social Learning approach: Antisocial boys*. Castalia publishing co.
- Shechtman, Z. & Nachshol, R. (1996). "A school-based intervention to reduce aggressive behavior in maladjusted adolescents". *Journal of Applied Developmental Psychology*.17, 535-552.
- Sweetser, E. (2010) 'Compositionality and blending: semantic composition in a cognitively realistic framework' in Janssen, Theo and Gisela Redeker, editors. *Cognitive Linguistics: Foundations, Scope, and Methodology*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter, 129-162.
- Smetana, J.G. (2006). *Social-Cognitive Domain Theory*. Killen, M. & Smetana, J.G. (2006). *Handbook of Moral Development*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Association, Inc., Publishers.